

روانشناسی بازی‌های کودکانه؛ بازی با انگشتان

اصغر شعاع^۱

علی آنی‌زاده^۲

چکیده

بازی‌های انگشتی به گونه‌ای از بازی‌ها گفته می‌شود که والدین ضمن خواندن اشعاری منظوم، فرزندانشان را با عواطف خویش می‌نوازند. اجرای این گونه بازی‌ها به توسعه ارتباط کودک^۰ والدین کمک می‌کند و کودکان علاوه بر سرگرم شدن، با مفاهیمی نظیر یادگیری اعداد، افزایش گنجینه واژگان، رشد مفاهیم اخلاقی، پرورش خلاقیت، جان‌بخشی انگشتان و ... آشنا می‌شوند. در این مقاله روایت‌های مختلف بازی با انگشتان (لی‌لی‌لی حوضک) براساس نظریه‌های رشد حوزه‌های (جسمانی - شناختی و نمادی - زبانی و نشانه‌ای - عاطفی و اجتماعی - اخلاقی) واکاوی شده است.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی بازی، بازی‌های کودکان، بازی‌های انگشتی، لی‌لی

لی‌لی حوضک، بازی و رشد کودک

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی پژوهشگر مرکز تحقیقات صداوسیما

shoa25@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی پژوهشگر واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما

anizadeali@yahoo.com

مقدمه

بازی یکی از نیازهای اساسی و عنصری مهم در رشد کودکان است، زیرا ضمن آموزش مهارت‌های مختلف به آنان، وسیله‌ای برای شناخت بهتر و بیشتر، راه یافتن به ناشناخته‌های ذهنی و روحی و وسیله‌ای برای تعلیم و تربیت کودکان به شمار می‌رود. بازی از نگاه روان‌شناسی، نقش مهمی در رشد جسمانی، عاطفی، احساسی، شناختی و زبانی کودکان دارد و وسیله‌ای برای تقویت یادگیری، بیان عواطف و پیشرفت‌های اجتماعی کودکان محسوب می‌شود.

ویژگی‌ها و کارکردهای بازی

- بازی یکی از فعالیت‌های انسان، بویژه فعالیت‌های کودکان است و فعالیت‌هایی را می‌توان بازی نامید که واجد پنج ویژگی باشد:
۱. دارای انگیزه درونی باشد و هدف آن در خود آن فعالیت نهفته باشد.
 ۲. به صورت آزادانه انتخاب شود. اگر کودکان برای انجام بازی وادار شوند یا حتی با ملایمت زیر فشار قرار گیرند، ممکن است هیچ‌گاه به فعالیت تعیین شده به چشم بازی نگاه نکنند.
 ۳. خوشایند باشد؛ به نحوی که کودکان از انجام آن لذت ببرند.
 ۴. واجد ویژگی واقعیت‌گریزی باشد. به این معنی که با عنصر وانمودسازی به معنای بر هم ریختن واقعیت برای انطباق با رغبت‌های بازیکنان همراه باشد. این امر بویژه در بازی‌های نمادین که ویژگی اصلی دوره پیش‌دبستانی است، مصداق دارد.
 ۵. به گونه‌ای باشد که بازیکنان در بازی شرکت داشته باشند. کودک باید از لحاظ جسمانی، روانی یا هر دو درگیر بازی باشد، نه اینکه منفعل، یا نسبت به آنچه روی می‌دهد، بی‌تفاوت باشد. (پیترهیوز، ۱۳۸۴: ۲۶)

روان‌شناسی بازی‌های کودکان؛ بازی با انگشتان ❖ ۱۶۹

علاوه بر اینها، بازی‌ها کارکردهای گوناگونی نیز دارند. اساسی‌ترین وجه بازی‌ها نقطه اوج یا بُرد آنهاست. کارکرد اصلی مراحل اولیه بازی‌ها، آماده کردن موقعیت برای پیروزی است. اما از سوی دیگر، بازی‌ها طوری طرح‌ریزی شده‌اند که در هر یک از مراحل نیز یک پیروزی جنبی به دست می‌دهند. در مقیاس گسترده‌تر، بازی‌ها اجزای ترکیب‌دهنده پویا و غیرقابل تفکیک «طرح زندگی» (پیشنویس خام، یا سناریوی زندگی) ناآگاهانه هر شخص به شمار می‌روند و زمان خالی انتظار آدمی را برای موفقیت نهایی پر می‌کنند. (برن، ۱۳۶۹: ۶۴-۶۲)

مروری بر نظریه‌های بازی در روان‌شناسی

روان‌شناسان زیادی براساس رویکرد نظری خود به مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی در حوزه بازی پرداخته‌اند از آن جمله می‌توان به جروم برونر^۱ (۱۹۱۵)، اریک اریکسون^۲ (۱۹۷۹-۱۹۰۲)، مونته‌سوری^۳ (۱۹۵۲-۱۸۷۰)، ژان پیاژه^۴ (۱۹۸۰-۱۸۹۶)، وینی کارت (۱۹۷۴-۱۸۹۶) و کارل گوستاو کروس^۵ و فردیک پرز (۱۹۷۰-۱۸۹۳) اشاره کرد.

از نظر کارل کروس بازی نوعی «پیش‌تمرین عمومی» یا «تمرین مقدماتی» است. او بازی‌ها را به دو دسته کلی طبقه‌بندی می‌کند: ۱. بازی‌هایی که در آنها «کنش‌های عمومی» مطرح هستند؛ مانند کشتی گرفتن برای پسرها و عروسک‌بازی برای دخترها. ۲. بازی‌هایی که نشان‌دهنده «کنش اختصاصی» هستند.

1. Jerome Bruner
2. Erick Erikson
3. Montessori
4. Jean Piaget
5. Carl Gustav Cruse

۱۷۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

پرز، نظریه پرداز دیگری است که بازی‌ها را به سه طبقه تقسیم می‌کند؛ نخست بازی‌های منظم که دارای قواعد و قوانین مشخصی هستند، دوم، بازی‌های نامنظم که جنبه تمرینی دارند و تابع قواعدی نیستند و سوم، بازی‌های مهارتی که در آن کودک مهارت‌هایی را تجربه می‌کند. پیازه از منظر «تحولی» و «ساختاری» به بازی می‌نگرد و بر این اساس قائل به طبقه‌بندی زیر برای بازی است.

۱. بازی‌های تمرینی: بازی‌هایی که هیچ نوع ساختی ندارند و تنها لذتبخش‌اند. اوج این بازی‌ها ۲-۳ سالگی است.
 ۲. بازی‌های رمزی: این بازی‌ها زمانی شکل می‌گیرند که کودک قادر به تجسم فضایی امور باشد. این بازی‌ها از ۱/۵ سالگی شروع می‌شود و تا ۵-۴ سالگی ادامه می‌یابد.
 ۳. بازی‌های قاعده‌دار: این بازی‌ها از ۳-۴ سالگی که کودک با قواعد اخلاقی آشنا می‌شود، شروع می‌شوند و در ۱۱-۱۰ سالگی به اوج خود می‌رسد. (منصور، ۱۳۶۲)
- وینی کارت نیز معتقد بود که بازی، فعالیت مهم و اساسی برای «رشد اجتماعی» کودک است و بازی و یادگیری تا حد زیادی با هم ارتباط دارند. او با تأکید بر اهمیت نقش آسایش‌دهنده‌ها (مانند خرس پشمالوی عروسکی) بر کودکان، آنها را اشیای انتقالی^۱ نامیده است.
- در نظریه سوزان ایساگز بر جنبه‌های «احساسی^۲ عاطفی» بازی تأکید می‌شود. براساس این نظریه، بازی وسیله‌ای برای بیان احساسات کودکان است. اما در نظریه جروم برونر بر جنبه «فیزیولوژیک و جسمی» بازی توجه شده

1. transitional objects

روان‌شناسی بازی‌های کودکان؛ بازی با انگشتان ❖ ۱۷۱

است. به باور برونر، کودکان به فعالیت‌های جسمانی نیاز دارند تا توانایی‌های شناختی خود را گسترش دهند. (شرایدن، ۱۳۸۲: ۲۹-۲۸)

در ادامه، براساس مفاهیم و دیدگاه‌های مطرح شده، بازی با انگشتان (لی لی حوضک) از منظر «رشد عاطفی - اجتماعی»، «رشد جسمانی»، «رشد شناختی» و «رشد زبانی»^۱ نشانه‌ای^۲ تحلیل و تبیین می‌شود.

ویژگی‌های روان‌شناختی بازی با انگشتان

تاکنون انواع متعددی از بازی‌ها به دست آمده است. به باور نگارندگان، نوعی از بازی‌های کودکان را که بر حس لامسه بنیان شده است، می‌توان بازی‌های انگشتی نامید. بازی‌های انگشتی به گونه‌ای از بازی‌ها اطلاق می‌شود که بزرگسالان طی تماس جسمی و عاطفی با کودکان و نیز خواندن عباراتی موزون، آنها را سرگرم می‌کنند و به صورت ناخودآگاه مفاهیم بسیاری را به آنها منتقل می‌سازند. با این تعریف، دو ویژگی اساسی برای این گونه بازی‌ها می‌توان برشمرد؛ اول، ارتباط و تعامل دو جانبه میان کودک و بزرگسال و دوم، لمس و تماس جسمی کودکان با والدین (بزرگسالان). تماس جسمی، اولین شکل ارتباط اجتماعی است که از طریق حس لامسه صورت می‌گیرد و نقش مهمی در رشد رفتاری کودکان دارد.

در بازی‌های انگشتی، کودک نوپا از طریق نقش ساختاردهنده والدین، تشویق می‌شود، و در نتیجه بازی آنها در مقایسه با کودکانی که به لحاظ دسترسی به همبازی بزرگسال محدودیت دارند، پیشرفت و پیچیدگی بیشتری می‌یابد. اهمیت این گونه بازی‌ها عبارت‌اند از:

۱. خردسال را در سطح بهینه‌ای از برانگیختگی نگه می‌دارد؛ به عبارتی نه خسته‌کننده و نه بیش از حد برانگیزاننده است. ۲. در خردسال احساس کنترل بر محیط پیرامونش را به وجود می‌آورد و اعتماد به نفس را پرورش می‌دهد و

۱۷۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

به رشد ذهنی کودک کمک می‌کند. ۳. خردسال را در معرض تعامل اجتماعی عمیق تر با والدینش قرار می‌دهد و از این رو فرایند دلبستگی والد^۵ خردسال را تسهیل می‌کند. ۴. خردسال را تشویق می‌کند تا به کاوش در محیط پیرامون خود بپردازد. ۵. باعث می‌شود تا خردسال به جنبه‌های اجتماعی زبان با دقت بیشتری توجه کند. (پیتر هیوز، پیشین: ۱۱۲-۱۱۱)

مفهوم رشد و بازی‌های کودکان

مفهوم رشد به معنای کسب دامنه وسیعی از مهارت‌ها و توانایی‌هایی است که بزرگسالان از آنها به طور بديهی استفاده می‌کنند. رشد کودکان، ترکیب پیچیده‌ای از تغییرات پیشرونده است که می‌تواند به اجزای کوچک‌تر در ابعاد زیر تقسیم شود:

۱. رشد جسمانی^۱: کودکان کم‌کم کنترل خود را بر روی حرکات افزایش می‌دهند؛ این کنترل شامل مهارت‌های حرکتی (از نوع درشت و ظریف)^۲ و مهارت‌های بینایی است.
۲. رشد شناختی و نمادی^۳: رشد شناختی و نمادی به معنی کسب دانش و مهارت‌ها به منظور پردازش و استفاده از اطلاعات به طریق معنادار است. این مهارت‌ها شامل تصویرسازی و خلاقیت، تفکر انتزاعی، استدلال منطقی، حل مسئله و عمل هدفمند است.
۳. رشد زبانی و نشانه‌ای^۴: رشد زبانی و نشانه‌ای به مفهوم یادگیری صحبت کردن است؛ توانایی بیان کلمات درست و کسب آنها و توسعه خزانه لغات.

-
1. physical
 2. motor skills (gross and fine)
 3. cognitive and symbolic
 4. linguistic and symbolic

روان‌شناسی بازی‌های کودکان؛ بازی با انگشتان ❖ ۱۷۳

۴. رشد عاطفی و اجتماعی^۱: کودک از همان زمان طفولیت به افرادی که از او مراقبت می‌کنند، وابسته می‌شود و کودک مهارت‌های خودیابری و کمک به خویش را توسعه می‌دهد و نسبت به دیدگاه‌های اجتماعی و فرهنگی شناخت پیدا می‌کند. کنترل عاطفی کودک رشد می‌کند و با درک شیوه‌های قابل قبول، احساسات و نگرش‌های خود را ابراز می‌دارد.

۵. رشد اخلاقی و معنوی^۲: رشد اخلاقی به طور کلی در ارتباط با درک ارزش‌ها نظیر درستکاری، انصاف، احترام، مفاهیم درست و نادرست، مسئولیت‌پذیری و توجه به نتایج اعمال است. رشد معنوی نیز به معنای افزایش توانایی درک حقایق و تأثیر درک آنها بر مردم و دنیاست (شرایدن، پیشین: ۱۸). از این رو بازی یکی از عوامل اثرگذار در رشد کودک در ابعاد مختلف به حساب می‌آید؛ به طوری که می‌توان گفت در تخلیه انرژی، اجتماعی شدن، مهارت‌های حرکتی، شناختی، تفکر و خلاقیت کودک نقشی انکارناپذیر دارد.

روایت‌شناسی بازی با انگشتان (لی لی لی لی حوضک)

«بازی با انگشتان دست» یا بازی «لی لی لی لی حوضک» در مناطق گوناگون اسامی مختلفی دارد: در آذربایجان، «انگشت» (فزل‌ایاغ، ۱۳۷۹: ۵) و «یواروخ» (می‌شویم) (همان: ۴۱)؛ در دشتستان بوشهر، «ای می‌گو» (رزمی‌نژاد، دشتستان، ۱۳۵۴)؛ در برازجان، «پنج انگشت» (رهسپار، برازجان، ۱۳۵۱)؛ در شیراز، «قلی قلی» (مهرپویا، ۱۳۶۹: ۵۲) در قم، «کوچولو موچولو» (خوشدل، قم، ۱۳۴۸) در سیرجان، «حوض پُرگلو» (رعایی، سیرجان، ۱۳۴۶)؛ در برخی مناطق گیلان، «انگشتان بازی»، «کوت کوته بازی» و «گیلی گیلی همزه» (موسوی، ۱۳۸۶:

1. emotional and social

2. moral and spiritual

۱۱۳، ۱۲۸ و ۱۳۲) و در همدان، «کله گنده» (حبیبیان، همدان، ۱۳۴۸) نامیده می‌شود.

از بازی لی لی لی لی حوضک در مناطق مختلف روایت‌های گوناگونی ضبط شده است که آنها را می‌توان در پنج دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. سرگذشت در حوض افتادن جوجه ۲. سرگذشت به دزدی رفتن انگشت‌ها ۳. نامگذاری انگشت‌ها ۴. بازی با ده انگشت (قصه‌های ترکیبی) ۵. طرح‌ریزی قصه‌های متفاوت برای انگشتان.

۱. سرگذشت در حوض افتادن جوجه: اصلی‌ترین و پربسامدترین قصه این بازی، سرگذشت جوجه‌ای است که در حوضی می‌افتد و از سوی انگشتان دست به ترتیب بیرون می‌آید و شسته، کشته و پخته می‌شود و سرانجام از سوی انگشت شست خورده می‌شود (قزل‌ایاغ، پیشین: ۴۳۵ و ۴۱/مهرپویا، پیشین: ۵۲-۵۱). در این روایت، مادر روبه‌روی فرزند می‌نشیند، او را هم می‌نشاند، دست وی را باز می‌کند و در دست خود نگاه می‌دارد و با انگشت سبابه دیگر، کف دست او را نوازش می‌کند و می‌گوید: لی لی لی لی حوضک، این افتاد تو حوضک، این درش آورد، این کشتش، این پختش، این کله‌گنده خوردش. والد با ادای هر جمله انگشتان کودک را به سمت کف دست او خم می‌کند، تا نوبت به انگشت شست می‌رسد. (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۲-۴۱)

در روایت‌های مختلف این قصه در مناطق گوناگون، شخصیت‌پردازی انگشتان و به تبع آن پایان‌بندی قصه‌ها، متفاوت است. در روایت اصفهان، گنجشکه خورده نمی‌شود، بلکه در آستانه خورده شدن فرار می‌کند: «گنجشکه اومد آب بخوره، افتاد تو حوضک، این دوید درش کرد، این ماچی بر سرش کرد، این نازی بر سرش کرد، این کله‌گنده اومد گفتش بده بینم همین که دادند بینم، گنجشکه پرید رو چینه.» (جمشاد، ۱۳۵۱: ۶۱)

روان‌شناسی بازی‌های کودکان؛ بازی با انگشتان ❖ ۱۷۵

در برخی روایت‌ها، چهار انگشت قصد آزادی جوجه را دارند، ولی انگشت شست جوجه را در حوض می‌اندازد: جوجه آمد آب بخوره، افتاد تو حوضک، (انگشت اول) این آبش داد، (انگشت دوم) این نونش داد، (انگشت وسطی) این پرش داد، (اشاره به انگشت شهادت که او می‌گوید) کی این را انداخته تو حوضک (اشاره به انگشت شست که می‌گوید): مَن مَن کَلَه گُنده. (میرنیا، ۱۳۶۹: ۲۶۵)

در برخی روایت‌های این قصه، هر انگشت چند وظیفه را با هم انجام می‌دهد و روایتگر بازی از علایم غیرکلامی بیشتری بهره می‌گیرد. برای مثال در کرمانشاه، روایتگر پس از کشیدن دایره بر کف دست کودک می‌گوید: لی لی لی حوضک سپس انگشت کوچک را خم می‌کند می‌گوید اینجا بود مرغکی، اینجا کرد تخمکی، این آب آورد و آش، این پخت و خورد.

در نهایت روایتگر دست خود را بالا می‌برد و وقتی کودک به آسمان نگاه می‌کند، دستش را پایین می‌آورد و انگشتش را روی لب‌های طفل می‌گذارد و می‌گوید: «نشست آنجا». بعد روایتگر با دهان خود صدایی درمی‌آورد که فرزند با شنیدن آن خوشحال می‌شود.

در بازی موسوم به «کوت کوهی» یا «خانم مرغه» که در گیلان اجرا می‌شود، مرغ خورده نمی‌شود، بلکه تخم می‌کند و تخم مرغ، روایت را پیش می‌برد:

kut kutey ay murqâne kune	کوت کوهی ای مرغانه کنه
	خانم مرغه اینجا تخم می‌گذارد
ka aley usâne	کچله ی اوسانه
	انگشت کوچک برمی‌دارد

vrk ll yyjjkk ورکچله‌ی جوکنه

انگشت کنار آن را می‌پزد

miyan derâz pustâ kune

مین دراز پوستا کنه

بلند وسطی پوست می‌کند

rrrrr rrr rrr mll tt mmmkkzeee

دوشاب خور، گرمالت نمک زنه

شیره خور، فلفل و نمک می‌زند

sebe kkrrrrrr rrrr vvvvssaaaalll

سیج کوش خوره، هنه واسه بهاله

شپش کش می‌خورد برای همین چاق است. (موسوی، ۱۳۸۶: ۱۲۸)

در روایتی از ارومیه پس از خورده شدن جوجه، نوعی جمع‌بندی اخلاقی به آن پیوست می‌شود؛ به این ترتیب که زمانی که بزرگ‌ترها می‌خواهند کودکان را سرگرم کنند، کودکی را روبه‌روی خود می‌نشانند و انگشتان او را باز می‌کنند و چون کودک به زحمت دست خود را باز می‌کند، به او می‌گویند

alien lulu eliem

الین آچ لولو الیم

دست را باز کن تا در آن یک لولو بگذارم

و چون کودک نمی‌داند لولو چیست، دستش را باز می‌کند، آن وقت دست او را در کف دست خود می‌گیرد و با انگشت اشاره، کف دست راست کودک را آرام قلقلک می‌دهد و برای جلب توجه او می‌خواند:

lulu lulu hoza

لولو لولو حوضه

doret bir yâna sabiza

دورت بیر یانه سبیزه

چهار طرفش سبز است

qus galde burdân su i a

قوش گلده بوردان سو ایچه

جوجه آمد اینجا آب بخورد

سپس از انگشت کوچک بچه شروع می‌کند و ادامه می‌دهد:

روان‌شناسی بازی‌های کودکان؛ بازی با انگشتان ❖ ۱۷۷

فنون و هنر

شماره ۳۳ / تابستان ۱۳۹۲

bu tutde بو توتده

این گرفتش

bu kasde بو کسده

این سرش را برید

bu pi irde بو پیشیرده

این پختش

bu yede بو یده

این خوردش

و به این ترتیب با گفتن هر عبارت یک انگشت کودک را خم می‌کند و وقتی به انگشت شست کودک می‌رسد می‌گوید:

bu getde oinâmâqâ بو گتده ایناماغا

این رفته بود بازی

galde dede hâni payim گلده دده هانی پاییم

آمد گفت سهم من کو؟

dedilar pihik yiyipde ددیلر پیشیک یی‌پیده

گفتند سهم تو را گریه خورده است

dede ou ou ou دده او او او

(همراه با صدای گریه ساختی)

ددیلر وورون بونون باشینا وورون بونون باشینا

dedilar vur nâ, vurun bunun i۹۹

گفتند بزنید بر سر این انگشت، بزنید بر سر این انگشت

آهسته بر سر شست کودک می‌زند و ادامه می‌دهد:

u jjj rr kiii k lll انچون بوجور کیچیک قالدده

به خاطر همین است که این طور کوچک مانده. (یوسف‌زاده، ارومیه، ۱۳۵۲)

۲. سرگذشت به دزدی رفتن انگشت‌ها: قصه دوم این بازی، سرگذشت و گفتگوی انگشت‌ها برای رفتن به دزدی است (ناصری، ۱۳۸۲: ۱۶۳ و ۱۷۱ و جمشاد، ۱۳۵۱: ۵۹). روایت پربسامد این بازی که در مناطق مختلف با لهجه‌ها و گویش‌های مختلف بیان می‌شود چنین است:

لی لی لی لی حوضکی (انگشت اول) این گفت: بریم دزدی (انگشت دوم) این گفت: چی چی بدزدیم؟ (انگشت سوم) این گفت: تشت طلای پادشاه را بدزدیم (انگشت چهارم) این گفت: جواب خدا را کی بده؟ (انگشت شست) این گفت: من من کله گنده.

البته در برخی روایت‌های این قصه، بازی با نتیجه‌گیری اخلاقی به پایان می‌رسد و دزد به سزای عمل بد خود می‌رسد.

از بهترین نمونه‌های این بازی که به خوبی و عینی با حرکات کلامی و غیرکلامی، سزای دزدی را برای کودک مجسم می‌کند، متعلق به مناطق ارومیه و تبریز است. در روایت ارومیه وقتی انگشت شست در جواب انگشت چهارم که می‌گوید: خدا هست، امام هست، پیامبر هست، به دزدی اصرار می‌ورزد، روایتگر با دست، بر سر انگشت کوچک می‌زند و می‌گوید:

ددیلر وورون بونون باشینا nâ dedilar vrr

بزنید بر سرش (یوسف‌زاده، ارومیه، ۱۳۵۳)

۳. نام‌گذاری انگشت‌ها: در سومین روایت این بازی، هر یک از انگشت‌ها نامگذاری می‌شوند؛ مثلاً در اصفهان، انگشتان از کوچک تا شست چنین نام می‌گیرند:

روان‌شناسی بازی‌های کودکان؛ بازی با انگشتان ❖ ۱۷۹

این کوچولو مَچُوله، این مادر مَچُوله، این عبا بلنده، این قبا بلنده، این شپش‌کشنده. (جمشاد، پیشین: ۶۰)

۴. قصه‌های ترکیبی: در ساختار چهارم از این قصه، بازی با دو دست یعنی با ده انگشت انجام می‌گیرد. در این بازی، بزرگسال از انگشت کوچک دست راست کودک شروع می‌کند و به انگشت کوچک دست چپ خاتمه می‌دهد و بدین ترتیب با هر انگشت می‌گوید:

ای کلچوک (این انگشت کوچک)

ای مامام کلچوک (این مادر کوچک است)

ای فاطی بُلندُو (این فاطی بلنده است)

این پنجه شادت (این انگشت شهادت است)

این افتا تو چه (این افتاد تو چاه)

این درش آورد

این شستش

این پختش

این اومد و خوردش (رهسپار، برازجان، ۱۳۵۱)

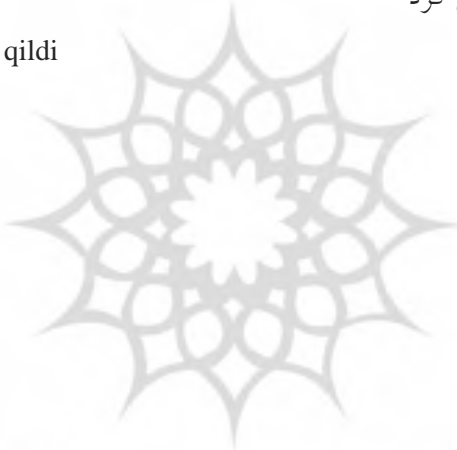
۵. طرح‌ریزی قصه‌های متفاوت: در برخی روایت‌های این بازی، قصه‌ای تازه و متفاوت طرح‌ریزی می‌شود، اما عمل با انگشتان بین کودک و بزرگ‌ترها به همان نحو دنبال می‌شود. به طور مثال در ارجق اردبیل، بزرگ‌ترها کف دست کودک را در دست می‌گیرند و با حرکت انگشت بر کف دست کودک، شعر زیر را می‌خوانند:

birdân bila xârmândi

بیردان بیله خارماندی

یکدفعه خرمن بالا آمد و خرمن درست شد

ii ei doli darmândi	ایچی دولی در ماندی داخلش پر از دارو و درمان است
birdâ rOOOOOOOOOOOOOOOO	بیردا بیر قوش قوندی اینجا پرنده‌ای فرود آمد
birdâ dastamâz âldi	بیردا دستماز آلدی این جا وضو گرفت
birdâ jânamâz sâldi	بیردا جانماز سالدی اینجا سجاده پهن کرد
birdâ namâz qildi	بیردا نماز قیلدی اینجا نماز خواند
bu gordi	بو گوردی این دید
bu tutdi	بو توتدی این گرفت
OOOOOdi	بو پیشیردی این پخت
irdi	بودا آشیردی این خورد
juli juli sana na qâldi	جولی جولی سنه نه قالدی کوچولو برای تو چه باقی ماند؟ و با جمله آخر، انگشت کوچک دست کودک را تکان می‌دهد و باعث خنده و شادی کودک می‌شود. (اصغرزاده ارجقی، اردبیل، ۱۳۴۷)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تالی جامع علوم انسانی

تحلیل روان‌شناختی بازی با انگشتان

بازی با انگشتان، یکی از بازی‌های شاد کودکان است که از سوی والدین برای سرگرم کردن و مشغول داشتن کودکان انجام می‌گیرد. این بازی در هر مکان و موقعیتی قابل اجراست (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۱) و از آنجا که از موسیقی و نمایش و ادبیات سرشار است، کودک را با ضرباهنگ، قافیه و وزن آشنا می‌سازد. بازی با انگشتان، ضمن ترغیب کودک به زبان‌آموزی (ناصری، ۱۳۸۲: ۱۷۰) به رشد زبانی و توسعه دایره واژگان کودک کمک می‌رساند. این کار، ضمن افزایش خزانه لغات کودک، باعث تقویت رشد زبانی^۰ نشانه‌ای او می‌شود.

در این بازی، از آنجا که والدین و بزرگسالان به صورت مستقیم دستان کودک را نوازش و لمس می‌کنند، باعث تحریک حس لامسه کودک و در نتیجه تقویت رابطه عاطفی او با والدین و بزرگسالان می‌شود (رحماندوست، پیشین). همچنین این بازی، تقویت ارتباط کودک با دیگران را در پی دارد. وابستگی‌ای که از طریق لمس بزرگ‌ترها و بروز عاطفه در بین کودکان و والدین ایجاد می‌شود، به تقویت رشد عاطفی و اجتماعی کودک می‌انجامد و در نهایت در روایاتی که انگشت‌خلافکار (دزد) مجازات می‌شود، کودک به آستانه رشد اخلاقی و معنوی نزدیک می‌گردد.

در بُعد رشد جسمانی، کودک حرکات‌های ظریف را آموزش می‌بیند و در خلال چنین آموزش‌هایی، همچون دست‌ورزی، هماهنگی و تقویت برخی حواس، فراگیری مهارت گوش دادن و هماهنگی میان مغز و دست (حسی^۰ حرکتی) صورت می‌گیرد. تقلید حرکات بزرگ‌ترها که مقدمه پرورش خلاقیت است (همان: ۲) و همچنین تقویت توجه و تمرکز، در بُعد رشد شناختی رخ

۱۸۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می دهد. در این بازی موسیقایی و نمایشی، هر چند والدین می کوشند برخی مفاهیم اخلاقی از جمله سزای دزدی را به کودک بیاموزند و رشد اخلاقی و معنوی کودکان را تقویت کنند و گاه در لفافه اشاراتی سیاسی همچون افتادن، کشتن، پختن و سرانجام خوردن را القا می کنند (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۲)، در سنین پایین این معانی برای کودکان قابل درک نیست و کودکان تنها از ضرباهنگ این اشعار لذت می برند. (ناصری، ۱۳۸۲: ۱۶۴)

جمع بندی

بازی لی لی لی حوضک یکی از مهم ترین و مشهورترین بازی های انگشتی و شاد کودکانه است. این بازی به لحاظ ساختار و قواعد، در زمره بازی های نامنظم و غیرهدفدار به شمار می رود. این بازی که بر حس لامسه و خواندن ترانه بنیان شده است، با تشخیص بخشیدن به انگشتان دست، زمینه های رشد جسمی، شناختی، زبانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی کودک را فراهم می آورد.

منابع

الف) کتاب

۱. انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۱). گذری و نظری در فرهنگ مردم. تهران: اسپرک.
۲. برن، اریک (۱۳۶۹). بازی‌ها؛ روان‌شناسی روابط انسانی. ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: البرز.
۳. پیترهیوز، فرگاس (۱۳۸۴). روان‌شناسی بازی: کودکان، بازی و رشد. ترجمه کامران گنجی، تهران: رشد.
۴. جمشاد، نوروز (۱۳۵۱). بازی‌های باستانی کودکان اصفهان. اصفهان: انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان وابسته به اداره کل فرهنگ و هنر استان اصفهان.
۵. رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۰). بازی‌های پنج انگشت. تهران: مدرسه.
۶. شرایدن، مری (۱۳۸۲). نقش بازی در رشد کودک. ترجمه عفت فلامک، شیراز: نوید شیراز.
۷. قزل‌ایاغ، ثریا با همکاری شهلا افتخاری (۱۳۷۹). راهنمای بازی‌های ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی و کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
۸. منصور، محمد (۱۳۶۲). روان‌شناسی ژنتیک؛ تحول روانی از کودکی تا پیری. تهران: رز.
۹. موسوی، سیدهاشم (۱۳۸۶). نمایش‌ها و بازی‌های سنتی گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
۱۰. مهرپویا، جمشید (۱۳۶۹). بازی‌های سنتی کودکان و نوجوانان در ایران. تهران: یگانه.

۱۸۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۱۱. میرنیا، علی (۱۳۶۹). فرهنگ مردم (فولکلور ایران). تهران: نشر پارسی.

ب) مقاله

۱. ناصری، مسعود (۱۳۸۲). «افسون کلام، موسیقی و حرکت». فصلنامه پل فیروزه. س ۳، ش ۹ (پاییز).

ج) فرهنگیاران

اصغرزاده ارجقی، خلخال، اردبیل، ۱۳۴۷

حبیبیان، مجید، همدان، ۱۳۴۸

خوشدل، محمدرضا، قم، ۱۳۴۸

رزمی نژاد، فرنگیس، دشتستان، بوشهر، ۱۳۵۴

رعایی، شوکت، سیرجان، کرمان، ۱۳۴۶

رهسپار، بی بی ماه، برازجان، بوشهر، ۱۳۵۱

یوسفزاده، سعیده، ارومیه، آذربایجان غربی، ۱۳۵۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی